

نوشته او بویایی استانت موزه گیمه

ترجمه دکتور عبدالرحیم ضیائی

مکتبهای هنری *

مکتب متورا

متورا که در زمان کوشانیها مرکز بزرگ مذهبی و هنری شناخته می شد بر راه مهم تجارتمی وقوع داشت که شهرهای حوزه کاپیسا و گندهارا (تا کسیلا، پوروشا پورا و غیره) را از یکطرف با شهرهای وادی گنگا (پتلی پوترا، ویسالی، سراوستی) و از جانب دیگر با ساحل غربی هند و بندرگاه مهم آن بهارو کچه واقع به در صد کیلو متری شمال بمبئی وصل میکرد. این بندرگاه باید نقش مهمی در انتشار مؤثرات هندی در ماورای بحار بازی کرده باشد. به این ترتیب دیده می شود که در متورا، محل تلاقی تاثيرات متعدده که بر علاوه جزء امپراطوری کوشانی محسوب میگردد و بر پیچیدگی های کلتوری آن قبلا اشاره نمودیم، مکتب هنری ای بوجود آمد و آثار نگارستانهای آن به تمام حصص هند از قبیل: سرنت، پتلی پوترا، سراوستی، سانچی و حتی وادی سوات صادر میگردد.

موادی را که این مکتب برای ساختن آثار هنری خویش بکار می برد عبارت از سنگ گری یا حجر مرملی پرنگ گلابی تیره بود که از معادن نزدیک شهر با لخصه معدن سیکری بدست می آورد. در طول چندین قرن یعنی از قرن اول ق.م تا نیمه قرن شش میلادی مقارن زمانیکه امپراطوری گوپتا در اثر ضربت یفتلی ها متزلزل گردیده از هم پاشید و تفوق خود را از دست داد ازین ماده استفاده میکرد.

سبک خاصه متورا در دوره کوشانی یعنی قرن دوم و سوم میلادی شکفتگی بخود گرفت. گرچه وارث استتیک هندی بهاروت و سانچی می باشد معذالك درین سبک شواهد تاثیرات مختلفه هندی به مشاهده میرسد. واقعاً موجودیت این تاثیرات مختلفه در آثار هنری نظریه موقعیت جغرافیائی و سیاسی متورا یک امر طبیعی است. تبادلات آثار

* قسمت اول و دوم این مضمون در شماره های گذشته این نامه چاپ شد. آریانا

هنری که بین متور از یک طرف و گندهارا، کاپیسا و سوات از جانب دیگر موجود بود بدون هیچ تردیدی در ترویج موثرات مدیترانه‌ئی دست داشته است. احتمال میرود که این تاثیر مستقیماً از پالمیر یا اسکندر به پهندر اه یافته باشد. چه مرادوات شان از راه بحر با هند به اثبات رسیده است. این تاثیر توسط پذیرفتن عناصر و اجزای هلنیستیک که کرکتر یونانو-رومی دارد ارائه می‌شود. اما این مؤثرات طوریکه در آثار هنری ولایات شمال غرب هند مشهود است، وجه مستقل خود را در هنر متورا حفظ نموده است بلکه به هنر متورا طوری آمیخته است و عناصر کلاسیک با فارمول‌های هندی منسوب به بهاروت و سانچی مشترکاً بکار رفته است که متورا نخستین اتراق تاثیر و نفوذ هنر یونانو-بودائی در هند برای بار اول عمل حل و جذب فارمول‌های خارجی را در بر تواری هندی بصورت بارز مشاهده می‌رساند. این نکته را نیز باید تذکار داد که نفوذ هلنیستیک بگانه‌عامل در تغییر هنر متورا محسوب شده نمیتواند. بلکه نظر به تسلط گوشانی‌ها تاثیر فلات ایران نیز در آن راه یافته است. خاصه‌آدر بعضی از ضرح‌های لباس، ایکو نوگرافی (مثلاً نمایش دادن رب‌النوع آفتاب سوریا بشکل یک نفر جنگجوی فلات ایران) و سادگی و بی‌پیرایه‌گی مجسمه‌سازی و هیكل تراشی تظاً هر میکند.

ساحه انتشار آثار مکتب متورا بسیار وسیع می‌باشد چنانچه در سیلون، هندوچین و حتی چین (لو ننگ من، نین لونگ شان، یون کالنگ) کشمیر، کاشغر جنوبی (گلگت، دندان، و بلیک، آق‌ترک) آنرا یافته میتوانیم که از اتراق‌های راه‌های تجارتی و خط سیر انتشار بود یزیم استفاده نموده است.

نوعیت؛ دا مکتب متورا مانند مکتب گندهارا مسئله ظهور بودا در ایکو نوگرافی هند بمیان می‌آورد. موازی با مجسمه‌های بودا از نوع گندهارا که در متورا وارد گردیده بود و از آن تقلید و پیروی می‌شد، یک نوع محلی نیز در آن ایجاد شد که ارتباط و قرابت با شمال یا کشاورانگارا جای دوره ماضیه بهم میرسانند. ازین رو بودای طرز متورا بصورت کلی از بودای سبک هلنیستیک که در قسمت شمال غرب هند مروج بود متفاوت می‌باشد. اما دارای عین همان علامات قدسیت یعنی ولکشناه است. سر بطور مدور، خطوط چهره بشاش معصوم و متبسم طرح می‌شد. موی سر مانند راهبین بودائی تراشیده شده بود و شب کلاهی بسر میداشت که در ته آن قسمت برجستگی جمجمه یا اووشنیشاه پنهان

میگردید. در بین ابروان اورنایاخال پیشانی نشان داده شده است. بلان راهبی را طوری در بر کرده است که قسمت راست تنه اش را بصورت مؤرب برهنه میگذارد. پارچه این بلان که بتن چسبیده می باشد نسبت به پارچه بلان گندها را ناز کتر می نماید و چین خوردگی هائی دارد که برجستگی های خفیف آن موازی هم دیگر طرح شده است و در پهلوئی هر یک آنها خطوط موازی دیگری در متن نقر گردیده است. ریخت آن نسبتاً ثقیل و جسیم بوده حرکات ساده را ادامیکند: دست راست که به طرف شانه بلند برده شده است هلامه عدم خوف را ارائه مینماید (ا بهیا هود را) مشت چپ بالای تهیگاه اتکادارد. هیچ چیزی در بین تمثال بودا تاثیر و نفوذ خارجی را بخاطر نمی آرد: نظر به خطوط چهره، ریخت بدن، طرح لباس می توان آنرا به سنن هندی منسوب دانست در قطار روش های سابقه جای داد.

راجع به ظهور تمثال بودا در مکتب متورا که بکدام سده معمول گردیده است به احتمال قریب می توان گفت: قدیم ترین تمثال بودا در سالهای اول سلطنت کانیشکا بمیان آمده باشد. بنابر آن در صورتیکه کر و نو اوجی جدید مرتبه گیر شمن در باره جلوس کانیشکا معتبر شناخته شود ظهور تمثال بودا اتفاق افتاد به سالهای ۱۴۳ یا ۱۵۲ میلادی مینماید. چه کانیشکا اولین کسی است که در ظاهر مسکوکات خود تمثال بودا را ضربت زد و به این ذریعہ خواست ر سمیت بیشتری به این ابداع ا یکونو گرافیک داده باشد. از جانب دیگر صحنه های طرز متورا تا آنوقت متعلق به ا یکونو گرافی قدیم بود که در آن حضور بودا توسط علائم خاصه نشان داده می شد. پس متورادر بین این دو نوع ا یکونو گرافی بودائی حد فاصل را تشکیل میداد. متأسفانه هنوز طور مطلوب نمی شود عصر کوشانی را با عصر پانچهره ای گندها را سرداد یعنی مقاربت تاریخی شانرا تعیین کرد. ازینجهت مناقشه در اطراف این موضوع که آیا اولتر تمثال بودا در کدام یک از این دو حوزه: گندها را یا متور ا ظهور نموده است، بکدام فیصله ای نرسیده است. پاک عمده مدعیات بطرفدار ی از فرضیه اول موجود است اما بسا از باستان شناسان طرفدار نظریه دوم می باشند.